

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقای که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

* * * * *

(نوار شماره شش - قسمت سوم)

تقی شهرام: و دلایل زیادی هست که چه جوری این تناقض پیدا می کنه، این شعار شما با همین خطوط تون، حتی با خط مبارزه مسلحانه، ثانیاً این نیروهایی که معتقد به خط مشی مسلحانه اند و به قول احمدزاده "بگذار مبارزه مسلحانه را آغاز کنند و بگذار..." با این ها وحدت پیدا بکن تا برسید بعد به مرحله هژمونی پرولتاریا، این چی می شه، این رو ولشون کنیم تو این مرحله، تو معتقدی که این رو ولشون کنیم، بیایم فرض کنیم ما حرف مون غلط بوده، به این نیروها فعلاً کاری نداشته باشیم بریم دنبال وحدت خود نیروهای مارکسیست و در واقع این جبهه رو یعنی جبهه پرولتاریا را به طور اختصاصی بچسبیم و این رو، مبارزه رو در به مرحله به طور مستحکم مثلاً مستحکم کنیم پشتوانه اش رو، اینه؟ این مسئله است؟ الان واقعا مشکل ما اینه؟ آخه می دونید این، تو شعاری که میدی، بلافاصله ... درسته تو اون شعار وحدت طرح نشده ولی حالا اینو اگر نقد کنیم خواهیم دیدش اون بلافاصله می کنه به مسایل استراتژیک. یعنی اون بلافاصله می کنه به این که شما اون وقت موضع تون راجع به حزب چیه؟ نسبت به مبارزه طبقات مختلف چیه؟ اون شعاری که شما دادید شعار همکاری هر چه بیش تر که معنا نداره که، یه چیزی که نمی تونه باشه، به قول معروف پی در و دروازه که نمی تونه کار ما باشه، یعنی چی شعار همکاری هر چه بیش تر، این چیزی رو نمی رسونه

حمید اشرف: چرا؟

تقی شهرام: هیچی رو نمی رسونه

حمید اشرف: دست ما رو باز می ذاره که هر برخوردی که میخوایم بکنیم

تقی شهرام: اتفاقاً همان هیچ برخوردی نمی شه، عملاً همه برخوردهای غلط هم از همین جا آغاز می شه که هیچ ضابطه برایش نباشه، و بعد

حمید اشرف: این ضوابط رو جنبش کمونیستی تعیین اش می کنه

تقی شهرام: خوب بکنه، اعلام کنه،

حمید اشرف: و اعمال می کنه

تقی شهرام: نمی تونه، به قول معروف مخفیانه که نمی تونه به طرف اعمال بکنه خوب رک بگه، ترس که نداره، بگه خوب ضوابطی که من برای همکاری با گروه ها دارم اینه، بدونید، بکنه،

حمید اشرف: خوب می کنه این کار رو

تقی شهرام: خیلی خوب، ولی شما می گید همکاری هر چه بیشتر دارید در واقع خودتون رو می تونید از قید همه گونه مسئولیتی در این زمینه فارغ کنید

حمید اشرف: نه ما واسه همکاری های بیشتر مون هم می تونیم چارچوب بذاریم

تقی شهرام: خوب هر چارچوبی بذاری اون هم می شه تازه جبهه، هر چارچوبی بذاری می شه خودش جبهه.

حمید اشرف: نه، جبهه نیست.

تقی شهرام: هر، خوب اونو ما می گیم جبهه، تو چی میخوای بگی، هر چارچوبی تو میای قایل بشی میشه جبهه.

حمید اشرف: جبهه چیزیه که ارگان داشته باشه.

تقی شهرام: نه، چه ارگانی؟ ارگان سیاسی داشته باشه؟

حمید اشرف: بله

تقی شهرام: نه، نه، کی گفته، جبهه یعنی یه سری توافقات اصولی بر سر یه سری خطوط مشترک بکنن می شه جبهه.

حمید اشرف: و بعد چه کار کنن؟

تقی شهرام: فعالیت بکنن در همان زمینه های خودشون.

حمید اشرف: حالا شما در مورد این زمینه ها نقطه نظرهایی دارین دیگه.

تقی شهرام: نه ما نقطه نظرات مون هر چی بوده گفتیم.

حمید اشرف: آخه اون چه گفتین چیزی نگفتین شما، یعنی چیزی رو، نقطه نظری رو مشخص نکردین، ضوابطی رو مشخص نکردین

تقی شهرام: ببین، بین، از قضیه در نرین، تو راجع به اون مسئله بحث می کردی که این جا هوای قضیه از دستمون در نره، معذرت می خواهم. راجع به این صحبت می کردی که در واقع ما می اومدیم صحبت بکنیم با هم و به یک واقعا شعار مناسبی برسیم سنگ ها مونو با هم صاف بکنیم، بعد اون وقت می تونستیم چکار بکنیم راه مون را با توجه به یک به اصطلاح به یک عینیات موجود شعار مون رو هم بدیم، ها؟ این حرف معناش اینه که ما ملاحظات سازمان چریک های فدایی خلق رو نادیده گرفتیم و شعاری را دادیم که در واقع لاقول رو این قسمت، رو این بخش ذهنی بود، یعنی واقعا شما توافقی نداشتین با این شعار و تحلیل تون از شرایط چیز دیگه ای بود و ما نادیده گرفتیم اینو و این کار رو کردیم، ما این بخش رو، ما این بخش رو قبول داریم که با شما صحبتی نکردیم ولی اگر هم ارایه دادیم مسئله جبهه رو به تحلیل بود این تحلیل اش هم الان من گفتم، وقتی که شما می گید که تحلیل مثلا شعار وحدت مارکسیست ها را می دهید این تحلیل اش هزار جور اشکال داره توش، یعنی در واقع این مسئله ست که هیچ چیز رو در واقع باز هم روش نکرده ما مخالف وحدت مارکسیست - لنینیست ها نیستیم

حمید اشرف: البته مارکسیست های معتقد به خط مشی مسلحانه

تقی شهرام: مارکسیست های معتقد به خط مشی مسلحانه نیستیم تو اون جا هم اگر شما دقت کرده باشید.

حمید اشرف: چون این ها نزدیک ترین کسانی هستند به هم.

تقی شهرام: درسته، بارک الله.

حمید اشرف: و این نزدیک ترین کسان

تقی شهرام: اگر شما دقت کنید

حمید اشرف: به طور طبیعی هم اول باید با هم جمع بشن.

تقی شهرام: ببینید، بسیار خوب، حرف تو درسته، این اول و دوم این جا اصلا برای ما به اون شکل مطرح نیست، ما اصلا فکر می کردیم که جبهه باید بیایم ما و شما متحد بشیم، اگر دقت کرده باشین اون جا به اصل به چیزی داریم

حمید اشرف: ببینم، ضمنا شما در این مورد هیچ فکر کردید که شمایی که دارید اعلام موضع مارکسیستی می کنید چطور با به سازمان مارکسیستی دیگه می خواهین جبهه بکنید.

تقی شهرام: نه، ما با به سازمان مارکسیستی دیگه نمی خواهیم جبهه کنیم. مارکسیستی مبارزه مسلحانه؟ متمایل به خط مبارزه مسلحانه؟

حمید اشرف: آره دیگه.

تقی شهرام: نه ما نمی خواستیم بکنیم، ما کی، ما گفتیم سازمان های، ببین گفتیم عناصر، گفتیم سازمان های معتقد.

حمید اشرف: چون شما اولین گام برای وحدت را گفتین جبهه.

تقی شهرام: نه نه

حمید اشرف: شرکت در جبهه

تقی شهرام: نه نه اشتباه همینه

حمید اشرف: (نامفهوم...) بعد در درون این جبهه مارکسیست ها می تونن اون وقت با هم نزدیک بشن.

تقی شهرام: نه، جبهه به خطه، وحدتی که ما اون جا مطرح می کنیم در واقع معنا هم نداره، ببین عملا دو تا سازمان مارکسیستی با خط مشی واحد اصلا مسخره ست، مگر این که اینا در عمل نشون بدن استنباط شون از این خط مشی به چیز دیگه ست، یا در عمل اختلاف خودشون رو ظاهر بکنند که حتما هم می کنن، چون دلیل نداره اگر دو تا سازمان، مارکسیستی باشن معتقد به خط مشی مسلحانه هم باشند و وحدت سیاسی و ایدئولوژیک داشته باشن هیچ دلیلی نداره که دو تا باشند. ولی حتما یا وحدت ایجاد می شه یا اختلاف شون ظاهر میشه، ما هم به این مسئله کاملا واقف بودیم، و اون جام اگر شما دقت کرده باشین می گیم که مارکسیست های معتقد به خط مشی مسلحانه تو به سازمان واحد، ما هم اون سازمان واحد رو شرط، اگر دقت کرده باشید اون شماره یک به اصطلاح ضوابط جبهه تعیین کردیم، درست هست یا نه، ها، گفتیم سازمان واحد یا نه.

حمید اشرف: سازمان واحد چیزی ست که موکول شده به همکاری جریان ها

تقی شهرام: نه ببینین نه این اشتباه ست، مسلماً اعلام مسئله جبهه یک نقطه نظر سیاسی ماست، ولی این معنانش این نیستش که ما معتقدیم تو این جبهه مثلاً دو تا سازمان مسلح جداگانه می تونن باشن و بعد در یه پروسه ای مثلاً تو این جبهه بیان.

حمید اشرف: خوب این را چرا صریحاً توضیح ندادین؟

تقی شهرام: خوب الان از این صریح تر اون جا دیگه توضیح بدیم، می گیم یه سازمان واحد. عجیبه! اصلاً واقعا این تو ذهن ما نمی گنجه شما چنین تصویری بکنید چون این تصور رو هیچ بچه ای نمی کنه. خوب

بهرروز ارمغانی: رفیق سنوال من. آهان بگو

تقی شهرام: کوچک ترین واقعا اطلاعی از روابط مثلاً بین نیروهای جنبش داشته باشه نمی تونه بگه آقا دو تا سازمان مارکسیستی با یک خط مشی مسلحانه جدا از هم بعد مثلاً در یک پروسه جبهه ای متحد بشن، کی همچو حرفی رو زده

بهرروز ارمغانی: پس نظر شما اینه که یک سازمان واحد

تقی شهرام: بله

بهرروز ارمغانی: مارکسیستی - لنینیستی معتقد به مبارزه مسلحانه باید به وجود بیاد و به این ترتیب در جبهه شرکت کند **تقی شهرام:** آها، اتفاقاً این نکته مهم اش هم اون جا اینه ما می گیم که این سازمان با قدرتی که داره اگه دقت کرده باشین اون جا می گیم، می گیم با قدرتی که داره می تونه با نیروهای دیگه جنبش برخورد کنه، این جا منظور ما هم مذهبی ها بودن هم خط مشی سیاسی ها اگر یعنی این بود که ما حالا دیگه قدرت بزرگ تری داریم یعنی اون جا که مبارزه مسلحانه قدرت داره، به قدرت اش توجه می کنه ولی در شرایط ضعف ما نمی تونیم بریم با مذهبی ها یا نمی تونیم بریم با سیاسی کارها حتی یه برخورد هم بکنیم، در صورتی که قدرت داریم و این قدرت ما، اون وحدت ماست.

بهرروز ارمغانی: مسئله جبهه واحد توده ای مرحله دوم اتحاد شماست

تقی شهرام: نه، بین حالا شما می خواهید این جا، ببینید اگه می خواهید اینو، شما این جا

بهرروز ارمغانی: نه، من می خوام بفهمم واقعا

تقی شهرام: بین دوم نیست، ما معتقدیم که ما تو جبهه باید با یه سازمان واحد بریم جلو

بهرروز ارمغانی: خوب عزیز من، منظور تون مثلاً باز نفهمیدم من.

تقی شهرام: اگه می خواهی بگی که بین اگه می خواهی این را از من به اصطلاح این اقرار رو از ما بگیری که مثلاً فرض کنی که

بهرروز ارمغانی: اوضاع جاری سنوال من واقعا روشن (نامفهوم...)

تقی شهرام: نه، واقعا برای ما مطرح نیست یعنی الان ما این جا راجع به وحدت دو تا سازمان صحبت می کنیم بدون این که صحبت هامون با نیروهای دیگه راجع به جبهه دیگه به یک جای مناسب به اصطلاح مشخصی رسیده باشه. یعنی ما نوشتیم هم برای شما که آقا ما برخورد داریم با نیروهای مختلف، واقعا میخوایم تکلیف مون را زودتر با شما روشن کنیم، خیلی رک، ما میخوایم واقعا برای ما اهمیت داره مسئله وحدت با شما. شما هم خوب می دونید، شما هم، برای شما هم اهمیت داره، ما برای ما این تعیین کننده ست، ما اگر بتونیم اینو به یه جایی پیش ببریم، ما، در واقع همه چیز موکول به این می شه، اون موقع اگر ما بتونیم وحدت پیدا کنیم اون وقت دیگه سازمان مایی وجود نخواهد داشت. همون سازمان واحد میره با اینا تماس می گیره و اون سازمان واحدی که اون وقت نقطه نظرهای در واقع تو همین بحث هاست که حلایه هم می شه واقعا طرح ما راجع به جبهه یا این نقطه نظر راجع به نیروها این ها درسته، غلطه، چی هست چی نیست، بین این مسئله ش خیلی روشنه، من تعجب می کنم، ما مسئله همین بودش ما اون جلسه نشستیم و انتقاد در درجه اول به رفقای ما مطرحه، که رفقا واقعا استفاده لازم را از بحث اون جلسه نکردن، و افتاد بحث به یک جریان خود به خودی و این ها واقعا برخورد قاطع نکردند و این مسئله را روشن نکردن، اینا بود اون مسایلی که ما بعد همون نمی دونم دو ماه پیش، چند وقت پیش نشستیم بحث کردیم باید روشن می شد یعنی واقعا شما مثلاً تصور تون اینه که مثلاً ما بیایم تو جبهه مسائل دو سازمان و یا مثلاً بریم جلو، مثلاً یا ما اصلاً به شما توجهی نکنیم بریم برای سر خود مثلاً فرض کن یه جبهه تشکیل بدیم بعد هم مثلاً به شما بگیم خوب حالا چی میگی مثلاً شما، نه این ها نیست نه رفیق این ها برخوردهای انقلابی نیست ما واقعا این را می دونیم که شما به هر حال به ما نزدیک ترید تا یک نیروی مذهبی.

حمید اشرف: و این برخورد نه تنها انقلابی نیست

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: فکر می کنید عملی هم نبود

تقی شهرام: نه، خوب به هر حال ممکنه به یه اشکال حتی مثلاً اگر غلط باشه حتما اشکال اپورتونیستی عملی می شه و این خوب به هر حال یه ضعف یا انحطاط ماست، ولی مسئله این جاست که وقتی که شما در واقع ما اون جا طرح می کنیم که آقا یه سازمان واحد میاد به عنوان نماینده جنبش مسلحانه، شما چرا این استنباط رو می کنید. ما اون جا به طور صریح و روشن گفتیم توضیح دادیم ما هیچ وقت نگفتیم دو سازمان. ما عملاً می گیم آقا ما برای شما نوشتیم که آقا ما در رابطه مون با مذهبی ها یه سری اشکالات داریم، ما یه سری به اصطلاح موانعی داریم این موانع هم عمدتاً پیش بردن این مسایل با شماست. شما به این مسئله توجه نمی کنید، چرا؟ ما واقعا عاجزیم از این که تصمیم بگیریم ما واقعا ما احساس مسئولیت می کنیم که مبادا واقعا خطی را بریم که به جنبش ضربه بزنه، ما بیایم یه کاری بکنیم که بعدا واقعا دودش تو چشم خودمون بره.

حمید اشرف: خوب در این رابطه این مشخصه که گام اول مسئله پاسخگویی به وحدت مارکسیست ها در درون جنبش مسلحانه هست.

تقی شهرام: این گام اول می دونی به چه معنایی، اگر می تونه باشه؟

حمید اشرف: جنبه به اعتبار این وحدت می تونه به وجود بیاد.

تقی شهرام: حالا ببین این هست البته یک نکته هست این جا، حرف تو هم درسته هم غلطه، درسته به این معنا که وقتی ما این نیروهای دیگه انقلابی را واقعا، یعنی نیروهای مبارز دیگه ای که قبول داریم دارند مبارزه می کنند معتقدیم هم با این ها باید یک وحدتی ایجاد کرد اون موقع صلاح جنبش کمونیستی، صلاح جنبش کمونیستی ما، این مهمه ها، اقتضاء می کنه و باید هم در واقع خط اینه که باید یه وحدتی ایجاد بشه تا ما با یه موضع در واقع قوی تر و درست تر و محکم تر بتونیم با این نیروها برخورد کنیم، ما با این موافقیم، ما اصلاً دلمون می خواد با یه سازمان واحد بریم با این نیروها برخورد کنیم. اما به شرطی که این امکان پذیر باشه اگر این امکان پذیر نباشه، اگر شما حاضر نباشید این معنای اینه که به هر حال ما در یک ... در خط سیاسی مون با هم اختلاف داریم خوب اون وقت اجباراً ما اونوقت دیگه میریم، مثلاً فرض کن یا شما میرین یه کار دیگه می کنید ما می ریم یه کار دیگه می کنیم، که یکی از کارهای ما ممکنه بریم یا با این مذهبی ها متحد بشیم یا با سازمان های مارکسیستی یا هر کوفت و زهر مار دیگه. یعنی قضیه این جاست اساساً براین از این جا آغاز می شه که ما نیروهای کمونیستی جنبش مسلحانه مصالح کمونیستی رو بیاریم در مد نظر قرار بدیم و بتونیم تطبیق کنیم با مسایل جنبش ضد امپریالیستی، ما می خواهیم اینو، این برای ما خیلی مهمه، ما نمی خواهیم این جا در واقع یه موقع کاری بکنیم که مثلاً فرض کنیم که بعدا دودش تو چشم خودمون بره، فردا مذهبیون بیان شاخ بشن، پدر خودمون را در بیارن ما برامون این مهمه، این مهمه که این وحدت صورت بگیره، اگر ما بتونیم با یک سازمان واحد بریم به سمت مذهبی ها، برای ما خیلی راحت، خیلی اصلاً در واقع این همان منافع کمونیستیه، چون ما وحدت مون رو حفظ کردیم، آن ها فردا نمی تون به این اعتبار هزار جور در واقع ما را برقصوند

حمید اشرف: خوب شما این نقطه نظر را الان دارید یا

تقی شهرام: ما اینو از اول داشتیم

حمید اشرف: یا از اول هم داشتید

تقی شهرام: از اول داشتیم.

حمید اشرف: چه اشکال و منعی می دیدید که طرح اش کنید با ما

تقی شهرام: ما طرح اش! با کیا؟ با شما؟ ما اون جلسه می خواستیم این ها را طرح کنیم ولی متاسفانه روال بحث به یه جایی افتاد که نتوانستیم

حمید اشرف: ما اون جلسه می گفتین بیایم

تقی شهرام: کدوم بحث؟

حمید اشرف: به اصطلاح فشنگ و، تفنگ و، این ها (نامفهوم...)

تقی شهرام: نه این

جواد قاندي: اون جلسه خرداده

تقی شهرام: نه اون جلسه خرداده، این جلسه اخير

جواد قاندي: رفیق منظورش اینه چرا تو جلسه خرداد این کار رو نکردین.

تقی شهرام: جلسه خرداد می گم و بحث ما انتقاد داریم به اون بحث به اون جلسه، واسه همین هم این جلسه را تقاضا کردیم (نامفهوم...) بله آگه یادتون باشه تو نامه ای بلافاصله بعد از این براتون نوشتیم
حمید اشرف: راجع به چی؟

تقی شهرام: راجع به موضوع ما نسبت به گروه های مذهبی و الی آخر، یعنی اشاره ای بود باز ما می خواستیم بذاریم اون جا اشاره کردیم که به جلسه ای بذاریم راجع به این مسائل بحث کنیم شما گفتید لازم نیست ما می نویسیم می دیم، یادتونه؟

حمید اشرف: بله یادمه تو نوشته (نامفهوم...) هست

تقی شهرام: بله اینو ما مخصوصا برای این گفتیم که باز به زمینه ای بشه بیایم بنشینیم بحث کنیم و این اشتباهات مربوط به اون جلسه را واقعا تصحیح کنیم ولی خوب شما نخواستید بحث کنید گفتید ما می نویسیم می دهیم. ولی ما مجددا دیدیم که باز واقعا

حمید اشرف: ببینید رفقا ما مسایل رو گفتم ما اون نظری که ما اون دفعه هم داشتیم خیلی هم استقبال رفقا هم جالب توجه بود که بیایم این ها را در سطح سازمان ها به بحث بذاریم، در حقیقت به پیشنهاد کمونیستی بود به این صورت که در شکل وسیع اش مسایل جنبش رو طرح، حداقل تو سازمان ها

تقی شهرام: آره اشکال نداره

حمید اشرف: رفقای سازمان ها به اعتقاد ما نیروهای پیشرو جنبش انقلابی ایران هستند و به ویژه از این لحاظ که دست اندر کار عملی اند، یعنی دارن عمل می کنن، کار می کنن و روز به روز تجربیاتی پیدا می کنن، تحلیل هایی می کنن، جمع بندی هایی به دست میارن و این ها حق شون تو شرکت در این بحث بیش از هر نیروی دیگه ایه، ولی به طور مشخصی افراد یک دونه از تیم های شما حق شون برای شرکت در این بحث از فلان گروه سیاسی کار بیش تره چون این ها

تقی شهرام: یعنی چی؟ این ها چه ارتباطی با هم داره؟

حمید اشرف: چرا؟

تقی شهرام: چون اون الان تو این بحث شرکت می کنه از طریق مثلا فرض کن مرکزیت سازمانش و رهبری اش و اگر هم لازم باشه از طریق زیر هم شرکت می کنه این ارتباطی با اون بحث ما نداره.

حمید اشرف: (نامفهوم...) اگر در این بحث شرکت بکنه و نقطه نظرها شو مطرح بکنه، تجارب رو بیاد در این رابطه و نقطه نظرهای مختلف، این باعث می شه ما بیایم در رابطه با کل مسایلی که جنبش مسلحانه بهش دست پیدا کرده به اصطلاح به فرمول هایی برسیم برای کار.

تقی شهرام: ببین الان مثل این که بحث وارد به چیز دیگه شد، یعنی بین ما این جا داشتیم صحبت می کردیم که ... استنباطاتی که شما داشتین از بیانیه ما و نظرات ما، دقیقا اون چیزی نبود که مقصود ما بود و ما داشتیم این توضیحات رو می دادیم و این که چه جور این سوء تفاهماتی به وجود آورده بود مثلا همین مسئله سیاسی کارها یا مسئله نمی دونم جبهه، یا نمی دونم استفاده از امکانات خرده بورژوازی یا مسئله اعتقاد به خط مشی مسلحانه و یا الی آخر، ما داشتیم اینا رو توضیح می دادیم، بین مسئله استفاده از اون شیوه را اصلا همون جلسه اول جلسه من گفتم این مسئله ایه که مستحسنة، پسندیده ست و ما می دونیم معنی اش چیه و شما می دونید معنی ش چیه و به هر حال اگر ما نتونیم از به طریق دیگه ای حتی از یعنی در کناری از طرق سریع تر، طرق سهل الوصول تری به یک در واقع به به نقطه نظرات واحد برسیم به هر حال این هم یکی از مسایل در دسترسه و باید ارزش استفاده بکنیم حتی اگر هم این امکان نداشته باشه در سطح جامعه هست، هیچ راجع به این مسئله ای ما هیچ بحثی نداریم، راجع به مسئله الان فعلا بحث راجع به مسئله نشریه نمی کنیم، ما می خواهیم بگیم که به سری از سوء تفاهمات، به سری استنباطاتی که ما (نامفهوم...)

چریکهای فدائی خلق ایران

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

e-mail: ipfg@hotmail.com